



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی

دانشکده حقوق، گروه حقوق عمومی
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A یا M.Sc)
گرایش: حقوق عمومی

عنوان:
بررسی تحولات ساختاری دولت و حقوق بنیادین
در ایران باستان

استاد راهنما:
جناب آقای دکتر احمد اسدیان

استاد مشاور:
جناب آقای دکتر منوچهر طباطبایی مؤتمنی

نگارش:
امیرحسین نوربخش

تابستان ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

**فرهنگ و تمدن پر
افتخار ایران زمین**

با سپاس فراوان از

**اساتید ارجمند جناب آقای دکتر احمد اسدیان
و جناب آقای دکتر منوچهر طباطبایی مؤتمنی
و جناب آقای دکتر اسدا... یآوری که بنده را
در گردآوری این مجموعه یاری فرمودند.**

باسمه تعالی

تعهدنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب امیر حسین نوربخش دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته به شماره دانشجویی ۸۷۰۰۴۹۹۸۸۰۰ در رشته حقوق عمومی که در تاریخ / / از پایان نامه خود تحت عنوان : بررسی تحولات ساختاری دولت و حقوق بنیادین در ایران باستان با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد میشوم:

- ۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط این جانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله، و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه‌های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر کرده ام.
- ۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ، ثبت اختراع و... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

تاریخ و امضاء

«باسمه تعالی»

در تاریخ

دانشجوی کارشناسی ارشد آقای / خانم از پایان نامه خود
دفاع نموده و با نمره به حروف و با درجه
..... مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
.....	چکیده.....
۱.....	مقدمه.....
۲.....	ضرورت پژوهش.....
۲.....	طرح موضوع و پرسش اصلی.....
۷.....	مفاهیم کلیدی.....
۱۰.....	روش تحقیق.....
۱۱.....	ادبیات موجود و مشکلات پژوهش.....
۱۳.....	بخش اول - دولت هخامنشی و عدم تمرکز گرایی.....
	فصل اول - سیر تحول قدرت عمومی در فلات ایران تا پیدایش هخامنشیان..... ۱۳
۱۳.....	مبحث اول - پیش از آریایی ها.....
۱۴.....	مبحث دوم - دولت ایلام میراث تمدن بین النهرین.....
۱۶.....	مبحث سوم - ماد اولین دولت ایرانی.....
۱۹.....	مبحث چهارم - پیدایش هخامنشیان.....
۲۲.....	فصل دوم - سازمان قانون گذاری.....
۲۲.....	مبحث اول - رژیم سیاسی و منشأ حاکمیت.....
۲۶.....	مبحث دوم - مقامات بلند پایه‌ی کشوری.....
۲۶.....	۱- مقام شاهنشاهی.....
۲۹.....	۲- مجالس و شوراها‌ی سلطنتی.....
۳۴.....	فصل سوم - تشکیلات اجرایی و اداری.....
۳۴.....	مبحث اول - سازمان اداری یا تقسیمات کشوری.....
۳۹.....	مبحث دوم - مقامات دیوانی و سلسله مراتب مدیریت.....
۳۹.....	۱- رئیس تشریفات.....
۴۰.....	۲- قائم مقام رئیس تشریفات.....
۴۰.....	۳- سازمان دربار.....

۴۱	۴- خزانه دار دربار
۴۱	۵- کاخ دار
۴۲	۶- نمایندگان محلی دولت
۴۲	۷- مقامات اداره کننده ساتراپها
۴۴	۸- اداره‌ی استخباریا دستگاه بازرسی شاهنشاهی
۴۴	۹- دستگاه پلیس مخفی یا سازمان جاسوسی
۴۵	مبحث سوم- سازمان ارتش
۴۶	مبحث چهارم- نظام مالیاتی و سیستم پولی کشور
۴۷	مبحث پنجم- شبکه‌های ارتباطی و راهها
۴۷	مبحث ششم- وضعیت آموزش و پرورش
۴۹	فصل چهارم- دستگاه قضایی
۴۹	مبحث اول- ریشه وجود نظام قضایی
۵۱	مبحث دوم- تشکیلات قضایی
۵۴	مبحث سوم- داوری
۵۵	مبحث چهارم- مستندات قضایی
۵۷	فصل پنجم- حقوق بنیادین
۶۰	مبحث اول- حقوق ملل و هرم قوانین هخامنشی
۶۵	فصل ششم- جمع بندی
۶۵	مبحث اول- تحولات شکلی (تفکیک قوا)
۶۶	مبحث دوم- تحولات ماهوی
۶۹	بخش دوم- دولت اشکانی و ساختار شبه فدرالی
۶۹	فصل اول- سیر تحول دولت از هخامنشیان تا پیدایش اشکانیان
۶۹	۱- دولت سلوکی و رواج الهیات و دموکراسی غربی
۷۲	۲- طلوع اشکانیان
۷۵	فصل دوم- سازمان قانون گذاری
۷۵	مبحث اول- منشأ حاکمیت و رژیم سیاسی
۷۸	مبحث دوم- مقامات بلند پایه‌ی کشوری
۷۸	۱- مقام شاهنشاهی
۸۰	۲- مجالس و شوراها‌ی سلطنتی
۸۱	الف- مجلس یا شورای خویشاوندان (خانوادگی و سلطنتی)

۸۳	ب- مجلس سنا یا شیوخ.....
۸۴	ج- مجلس مهستان یا بزرگان.....
۸۷	فصل سوم- تشکیلات اجرایی واداری.....
۸۷	مبحث اول- مقامات دیوانی یا تقسیمات کشوری.....
۹۱	مبحث دوم- ساختار اداری دولت پارت.....
۹۱	الف- دولت مرکزی پارت.....
۹۳	ب- حقوق اداری در حوزه‌ی شهریاران محلی.....
۹۶	مبحث سوم- منابع مالی دولت پارت و اقتصاد حاکم بر کشور.....
۱۰۲	مبحث چهارم- سازمان ارتش.....
۱۰۶	فصل چهارم- دستگاه قضایی.....
۱۰۶	مبحث اول- منشأ قدرت قضایی یا ریشه وجود نظام قضایی.....
۱۰۸	مبحث دوم- تشکیلات قضایی.....
۱۱۰	مبحث سوم- اصول و مستندات قضایی.....
۱۱۴	فصل پنجم- حقوق بنیادین.....
۱۱۸	فصل ششم- جمع بندی.....
۱۱۸	۱- تحولات شکلی (تفکیک قوا).....
۱۱۹	۲- تحولات ماهوی.....
۱۲۳	بخش سوم- دولت ساسانی و تمرکزگرایی.....
۱۲۳	فصل اول- سیر تحول قدرت سیاسی از غروب اشکانیان تا طلوع ساسانیان.....
۱۳۰	فصل دوم- سازمان قانون گذاری.....
۱۳۰	مبحث اول- منشأ حاکمیت و رژیم سیاسی.....
۱۳۱	۱- اصل تمرکز.....
۱۳۸	مبحث دوم- بلندپایه‌ترین مقامات کشوری.....
۱۳۸	۱- مقام شاهنشاهی.....
۱۴۱	۲- مجالس و شوراهای سلطنتی.....
۱۵۱	فصل سوم- تشکیلات اداری و اجرایی.....
۱۵۱	مبحث اول- سازمان اداری یا تقسیمات کشوری.....
۱۶۰	مبحث دوم- سلسله مراتب اداری و نظام دیوانی.....
۱۶۰	۱- وزیر اعظم یا هزارپت.....
۱۶۱	۲- شهرداران یا شهربها(حاکم یا والی).....

۱۶۳	۳- دبیران و کارگزاران
۱۷۳	مبحث سوم- نظام مالیاتی و پولی کشور
۱۸۲	مبحث چهارم- سازمان ارتش
۱۸۶	فصل چهارم- دستگاه قضایی
۱۸۶	مبحث اول- ریشه وجود نظام قضایی
۱۹۳	مبحث دوم- سازمان و تشکیلات قضایی
۲۲۱	فصل پنجم- حقوق بنیادین
۲۲۶	فصل ششم- جمع بندی
۲۲۶	۱- تحولات شکلی (تفکیک قوا)
۲۲۷	۲- تحولات ماهوی
۲۳۲	بخش چهارم- نظریه دولت در ایران باستان
۲۳۲	فصل اول- عوامل موثر به تحولات ساختاری دولت و حقوق بنیادین در ایران
۲۳۲	مبحث اول- وضعیت خاص ایران از لحاظ اقلیم آب و هوایی (جغرافیای طبیعی)
۲۳۳	مبحث دوم- موقعیت مخصوص ژئوپولیتیک ایران (جغرافیای سیاسی)
۲۳۵	مبحث سوم- عقلانیت و یکتاپرستی در اندیشه‌ی زرتشت (تفکر ایزدی)
۲۳۷	مبحث چهارم- نفود الهیات (هلنیسم) و تفکر دموکراسی غربی (میراث یونان)
۲۴۱	فصل دوم- مولفه‌های نظریه دولت اخلاقی هگل و تطبیق آن با دولت در ایران باستان
۲۴۱	مبحث اول- منشأ ماورایی و الهی حکومت
۲۴۱	مبحث دوم- منطق دیالکتیک هگل
کیش	مبحث سوم- ستایش هگل از کیش
۲۴۲	زرتشت
۲۴۲	مبحث چهارم- جایگاه بلند تاریخ در اندیشه هگلی
۲۴۳	مبحث پنجم- اهمیت خانواده در دولت اخلاقی هگل
۲۴۳	مبحث ششم- تکیه بر مذهب ملی و لزوم وحدت کشور
۲۴۴	مبحث هفتم- مخالفت صریح هگل با قانون اساسی مدون
۲۴۵	مبحث هشتم- شکل دولت و تفکیک قوا از دیدگاه هگل
۲۴۵	۱- پادشاه
۲۴۵	۲- قوه ی اجرایی
۲۴۵	۳- قوه ی قانون گذاری
۲۴۶	فصل سوم: جمع بندی

۲۴۹	نتیجه‌گیری کلی
۲۵۳	منابع و ماخذ
۲۶۶	ضمائم
۲۹۰	چکیده لاتین

فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۶۷	جدول ۱:
۱۲۱	جدول ۲:
۲۲۹	جدول ۳:
۲۵۲	جدول ۴:

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۶۸	نمودار ۱:.....
۱۲۰	نمودار ۲:.....
۲۳۱	نمودار ۳:.....
۲۴۸	نمودار ۴:.....

فهرست تصاویر

صفحه	عنوان
٢٦٧	تصویر ١:
٢٦٨	تصویر ٢:
٢٦٩	تصویر ٣:
٢٧٠	تصویر ٤:
٢٧١	تصویر ٥:
٢٧٢	تصویر ٦:
٢٧٣	تصویر ٧:
٢٧٤	تصویر ٨:
٢٧٥	تصویر ٩:
٢٧٦	تصویر ١٠:
٢٧٧	تصویر ١١:
٢٧٨	تصویر ١٢:
٢٨٢	تصویر ١٣:
٢٨٣	تصویر ١٤:
٢٨٤	تصویر ١٥:
٢٨٤	تصویر ١٦:

فهرست نقشه ها

صفحه	عنوان
۲۸۵	نقشه ۱:
۲۸۶	نقشه ۲:
۲۸۷	نقشه ۳:
۲۸۸	نقشه ۴:
۲۸۹	نقشه ۵:

چکیده

دولت و حقوق بنیادین دو مفهوم همیشگی حقوق عمومی هستند اما نمی‌توان آن‌ها را تنها محصول عصر حاضر دانست بلکه شکل‌گیری آن‌ها در طول اعصار مختلف و به سبب عوامل متعدد بوده است. در تحقیق پیش رو قصد داریم تا ویژگی‌هایی نظیر: منشأ حاکمیت، تفکیک قوا، رژیم سیاسی و حقوق و آزادی‌های عمومی را در دولت‌های باستانی ایران تحت عنوان بررسی «تحولات ساختاری دولت و حقوق بنیادین در ایران باستان» مورد مطالعه قرار دهیم بخش عمده‌ی کار ما شامل بررسی قوای سه‌گانه حکومتی یعنی مقننه، مجریه و قضائیه و ارتباط آن‌ها با مقام اول کشور (شاهنشاه) و با یکدیگر می‌باشد. هم‌چنین سعی داریم تا چشم‌اندازی کلی از مفهوم نظریه دولت به عنوان تئوری حائل میان حقوق عمومی و علوم سیاسی ارائه دهیم که متأثر از تحولات تاریخی گوناگون بر ذهن متفکران مختلف می‌باشد. این یافته‌ها به ما کمک می‌کنند که تأثیر ایرانیان را در شکل‌گیری حقوق عمومی بدانیم که به گمان نگارنده در نهایت سبب آگاهی ژرف‌تر هم درباره‌ی حقوق عمومی و هم تمدن و فرهنگ کهن ایران زمین خواهد شد.

مقدمه

تاریخ معلم انسان‌هاست، تحولات تاریخی همیشه زندگی انسان‌ها و نوع بشر را متحول نموده و به اهداف باور نکردنی رهنمون گشته است^۱ فلسفه تاریخ به ما می‌آموزد که پدیده‌های اجتماعی در بستر تاریخ شکل می‌گیرند و تا پایان عمر بشریت زنده خواهند بود و آثارشان بر زیست انسانی قابل انکار نیست^۱ امروز پژوهشگران بسته به آن‌که به کدام مکتب یا نحله‌ی فکری وابسته باشند نسبت به تاریخ نگاه متفاوتی دارند دیدگاه‌های آنان از ماتریالیسم تاریخی مارکس و انگلس (نگاه جبر آمیز و مادی به تاریخ) گرفته تا نظریه‌ی پایان تاریخ فرانسیس فوکومایا (معرفی لیبرال دموکراسی به عنوان هدف نهایی تاریخ) متمایزند اما آن‌چه که امروز فارغ از تمام تئوری‌ها مطرح است جایگاه «تاریخ نگاری و تاریخچه نویسی» به عنوان ابزاری مهم برای سازماندهی و مطالعه‌ی آکادمیک دانش‌های انسانی و حتی تجربی می‌باشد که روز به روز به اهمیت آن افزوده می‌گردد^۲ تأسیس کرسی‌هایی نظیر: تاریخ پزشکی، تاریخچه‌ی نظریات جامعه‌شناختی، تاریخ اندیشه‌های سیاسی، اقتصادی، روانشناختی و ... نشان دهنده‌ی عمق توجه محققین مختلف به این مهم در دانشگاه‌های جهان می‌باشد که خود بیانگر تمایل به نگاه پوزیتیویستی (اثبات‌گرایانه)^۳ و اتیمولوژیک (ریشه‌شناختی) در تمامی علوم از جمله علوم انسانی است.

ضرورت پژوهش

نیاز همیشگی به توسعه‌ی علوم میان رشته‌ای و پرهیز از گرایش به علوم محض بدلیل عدم انعطاف لازم در نتیجه‌گیری‌ها و بسته بودن افق آن‌ها سبب شده که آشتی موقتی اما بسیار مبارک میان علوم مختلف شکل گیرد در پژوهش پیش رو تلاش شده تا با پیوند میان تاریخ و حقوق و ادامه‌ی راهی که

^۱ - سروش، عبدالکریم، فلسفه‌ی تاریخ، انتشارات حکمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵، ص ۵.

^۲ - نیک آئین، امیر، ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی، بی‌نا، چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۹، ص ۵۹.

^۳ - تیبِت، مارک، فلسفه‌ی حقوق، ترجمه حسن رضایی خاوری، نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، مشهد، ۱۳۸۴، ص ۲۸.

برخی حقوقدانان و مورخین تحت عنوان «تاریخ حقوق» از چندی پیش آغاز نموده‌اند عرصه‌های جدیدی پیش روی دانشجویان و فرهیختگان گرامی گشوده گردد زیرا بنظر می‌رسد که این رشته‌ی نوپا بسیار مهم‌جور مانده و آن‌گونه که باید و شاید به آن توجه نمی‌گردد و از میان رشته‌های تاریخ حقوق تقریباً می‌توان گفت که کسی اساساً درحیطه‌ی «تاریخ حقوق عمومی» قلم فرسایی ننموده است. غافل از این‌که «حقوق عمومی» پدر تمام رشته‌های حقوقی محسوب می‌گردد و یافتن بسیاری از ریشه‌های ضعف آن در جوامع مختلف و از جمله میهنمان ایران در گرو بررسی دقیق تحولات و در نهایت تحلیل دقیق و آکادمیک آن می‌باشد^۱ گفتنی است در سال‌های گذشته واحدهایی تحت عنوان تاریخ تحولات حقوق عمومی در ایران و جهان به صورت اختیاری در مقطع ارشد برای دانشجویان حقوق عمومی گنجانده شده و امید است سبب پیشرفت بیشتر در این عرصه گردد.

طرح موضوع و پرسش اصلی

پیش از آن‌که به بررسی موضوع رساله بپردازیم ابتدا به این پرسش مهم باید پاسخ بگوییم که آیا اساساً می‌توان به بررسی مسائل حقوق عمومی در ایران باستان پرداخت؟ به عبارت ساده‌تر آیا اساساً «حقوق عمومی» در آن روزگار وجود داشته است؟ پاسخ به این سوال از آن جهت اهمیت دارد که غالب حقوقدانان حقوق عمومی را مولد اولین قانون اساسی مدون می‌دانند که سرآغاز جنبش دستورگرایی «constitutionalisme» در جهان بود. بنظر نگارنده این برداشت حاصل یک ارزیابی شتاب زده است زیرا ناشی از جدا نکردن مفهوم مادی (ماهوی) قانون اساسی از مفهوم شکلی آن است بسیاری از نویسندگان با توجه انحصاری به متون مدون شکلی گمان دارند که قانون اساسی و ظهور مفهوم و معنی آن ثمره تحولات قرون جدید است و جوامع سیاسی دوره‌های باستانی یا دولت-کشورهای مختلف قبل از قرون هجدهم صاحب قانون اساسی نبوده‌اند^۲ در صورتی که قانون اساسی در

^۱ - امین، سید حسن، تاریخ حقوق ایران، انتشارات دایره المعارف ایران شناسی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲، ص ۸.

^۲ - قاضی - شریعت پناهی، ابوالفضل، گفتارهایی در حقوق عمومی، نشر دادگستر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵، ص ۷۶.

مفهوم ماهوی آن خیلی پیش‌تر از قرن هجدهم در اشکال عرف‌های اساسی و اعلامیه‌ها و فرامین وجود داشته است.^۱ و پس از تأسیس دولت‌های مدرن در عصر جدید تنها شکل آن تغییر یافته و به صورت متون منسجم در آمده است. این نابسامانی در ساحت حقوق عمومی از عدم تحقیق کافی در "فلسفه حقوق" و "جامعه‌شناسی حقوق" نشأت می‌گیرد. چنان که ایمانوئل کانت گفته بود: در فلسفه‌ی حقوق می‌گوییم که حق چیست؟ نه ان که حق کدام است؟^۲ قواعد حقوق عمومی هم در ابتدا به صورت هنجارهای اجتماعی بوجود آمدند و سپس به صورت قوانین شکلی انسجام یافتند^۳ زیرا بسیار ساده‌انگارانه است که بپنداریم مفهومی بسیار شگرف به نام قانون اساسی به یک‌باره و بدون هیچ مقدمه فکری و تاریخی ظهور یافته است!

در یونان باستان آشنایی با این مفهوم وجود داشته است به طوری که ارسطو در آثار خود به یکصد و پنجاه و هشت قانون اساسی در دولت شهرهای یونان اشاره می‌کند. همچنین الواح دوازده گانه‌ی "زوستینین" پادشاه رم باستان را هم می‌توان نمونه‌ای از آن بحساب آورد و هم چنین در آثار "سن توماس داکن" و «سنت آگوستین» (متفکران قرون وسطی) نیز می‌توان نمونه‌هایی نظیر مفهوم قانون اساسی را یافت تا جایی که حتی برخی اندیشه‌ی تفکیک قوای سه‌گانه (مقننه، مجریه، قضائیه) را ملهم از اندیشه‌ی تثلیث (سه‌گانگی) در مسیحیت می‌دانند (پدر، پسر و روح‌القدس).^۴

نگاهی کوتاه به آثار نویسندگان عصر رنسانس و روشنگری گویای این مفهوم است که در تمدن باستانی ایران هم ریشه‌های وجود قانون اساسی غیر مدون را می‌توان یافت نیکولو ماکیاولی در فصل

^۱ - عباسی، بیژن، حقوق اساسی در دوران مطلق‌گرایی، نشریه‌ی حقوق اساسی، سال چهارم، شماره‌ی ۸، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵.

^۲ - کانت، ایمانوئل، فلسفه‌ی حقوق، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، نشر نقش و نگار، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵-۱۶۸.

^۳ - ر.ک، برول، هانری لوی، جامعه‌شناسی حقوق ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰، ص ۷ به بعد.

^۴ - دوگی، لئون، دروس حقوق عمومی، ترجمه محمد رضا ویژه، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴.